

الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و پیامدهای آن بر مقررات صادرات و واردات

مهدی فیروزی

فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۴۴، پاییز ۸۴

چکیده: موضوع الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی (W.T.O) و اثرات آن بر بخش‌های مختلف کشور، یکی از مباحث مهم است. با توجه به اینکه حدود ۹۰ درصد تجارت جهانی در اختیار اعضای سازمان تجارت جهانی است، در صورتی که کشوری بخواهد سهمی از این تجارت داشته باشد، باید ضمن عضویت در این سازمان، مقررات صادرات و واردات خود را با مقررات این سازمان مطابق سازد و کشورهایی که عضو این سازمان نیستند مثل ایران، بین عدم انزوای از اقتصاد و تجارت جهانی و عضویت در این سازمان و پذیرش شرایط آن، بررسی‌هایی را انجام داده‌اند که به نظر می‌رسد الحاق به سازمان تجارت جهانی سودمندتر باشد.

موضوع «جهانی شدن» از پدیده‌های شگرفی است که طی دهه‌های اخیر ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است. این فرآیند به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم شتاب بیشتری یافته است. آثار ناگوار دو جنگ جهانی و رکود اقتصادی ناشی از آن از یک سو و نیاز به همکاری و هم‌گرایی جهانی از سوی دیگر، باعث شد تا روند جهانی شدن سرعت بیشتری به خود بگیرد، به طوری که تمامی عرصه‌های زندگی بشری، تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته است. در راستای جهانی شدن، در حوزه مباحث مالی، اقتصادی و تجاری نیز «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه» (بانک جهانی) ایجاد شده است. در زمینه

مسائل تجاری، به‌رغم تمایل کشورها به ایجاد سازمانی بین‌المللی، به علت اختلاف نظر کشورها، این ایده جامه عمل به خود نپوشید، اما در عوض موافقت نامه‌ای تحت عنوان «موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت» (گات) در سال ۱۹۴۷ توسط ۲۳ کشور جهان امضا شد که هدف آن، برقراری یک نظام حقوقی برای آزادسازی تجاری، کاهش «تعرفه‌های گمرکی» و تنظیم روابط تجاری بود. ایده تأسیس یک سازمان جهانی در حوزه تجارت بین‌الملل هیچ‌گاه به سر دی نگرایید و مذاکرات کشورهای عضو موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) برای دست‌یابی به یک نظام جامع حقوقی از طریق ایجاد یک سازمان فراگیر جهانی ادامه یافت و در همین راستا طی ۸ دور مذاکرات و در آخرین مرحله از مذاکرات که به دور اروگوئه معروف است و از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ به طول انجامید، تصمیمات بسیار مهمی گرفته شد، که از آن جمله می‌توان به توافق اعضا برای تشکیل سازمانی به نام «سازمان تجارت جهانی» اشاره کرد. پس از آن بود که در سال ۱۹۹۵ سازمان تجارت جهانی با عضویت ۱۲۵ کشور طی یک اجلاس رسمی در ژنو کار خود را آغاز کرد.

با آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، گات ۱۹۴۷ در این سازمان ادغام شد و در واقع پاره‌ای از مقررات آن را تشکیل داد. به عبارت دیگر، با تشکیل سازمان تجارت جهانی، وظایف اداری و تشکیلاتی گات به این سازمان محول شد و موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) که یک معاهده چندجانبه بود، با نام گات ۱۹۹۴ جزء موافقت‌نامه‌های الزامی سازمان تجارت جهانی قرار گرفت.

سازمان تجارت جهانی هم‌اکنون مهم‌ترین نهاد بین‌المللی است که با وضع قواعد و مقررات، مشغول قانونمند کردن تجارت بین‌المللی است. هدف این سازمان ایجاد ثبات در مقررات مربوط به تجارت است، تا تجارت بین کشورها حتی المقدور روان‌تر و کم‌هزینه‌تر انجام شود. بر اساس موافقت‌نامه‌های چندجانبه، کشورها متعهد شده‌اند، سیاست‌های بازرگانی خود را، خارج از چارچوب‌های مشخص اعمال نکنند؛ یعنی از تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در این سیاست‌ها امتناع ورزند. علاوه بر این، آزادسازی تجاری از طریق حذف یا کاهش موانع تجارت و نیز شفاف کردن مقررات حاکم بر آن، از جمله مهم‌ترین اهداف سازمان تجارت جهانی است.

۱. فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی:

الحاق به W.T.O مستلزم طی یک فرآیند مذاکره است که می‌تواند بسیار پیچیده، دشوار و طولانی باشد. با عضویت در دیگر سازمان‌های بین‌المللی کاملاً متفاوت است و چنین نیست

که الزامات استاندارد و وجود داشته باشد که هر کشوری با رعایت آنها، خود به خود به عضویت سازمان پذیرفته شود. اگر چنین بود، دیگر نیازی به مذاکرات نبود، آن هم مذاکراتی که گاه چندین سال به طول می‌انجامد. بر اساس مذاکرات الحاق، کشور متقاضی متعهد می‌شود تا اقداماتی را برای سازگار کردن قوانین ملی خود، با موافقت‌نامه‌های چند جانبه سازمان تجارت جهانی به عمل آورد و نیز تعرفه‌ها را کاهش دهد و مقررات خود را طوری اصلاح کند که، دسترسی بیشتری را به کالاها و خدمات دیگر اعضا فراهم آورد.

لذا چنان چه کشوری متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی باشد، باید دو امر مهم را مورد توجه قرار دهد: اول این که عضویت در این سازمان به معنای قبول کلیه «موافقت‌نامه‌های چند جانبه سازمان تجارت جهانی» است، که تعهدات و شروط فراوانی را بر کشور متقاضی تحمیل می‌کند؛ دوم این که کشور متقاضی باید وارد مذاکرات چند جانبه با کشورهای عضو، به خصوص طرف‌های عمده تجاری شده، مجوز ورود به سازمان را اخذ کند. برای اخذ این مجوز، آن کشور باید موافقت کند که تعرفه‌های گمرکی خود را کاهش دهد و «جدول‌های امتیازات سه گانه» در مورد کالاهای صنعتی، کالاهای کشاورزی و تجارت خدمات را فراهم سازد.

۲. تلاش‌های ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی:

شورای اقتصاد در اجلاس ۱۴ مرداد ۱۳۷۰ خود، از وزارت بازرگانی خواست تا با همکاری سازمان برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد و دارایی و نیز بانک مرکزی در مورد این سؤال که آیا ایران به گات بپیوندد یا نه، بررسی به عمل آورد. تهیه این گزارش در ۲۸ دی ۱۳۷۰ به انجام رسید که در آن گفته شده بود، عضویت در گات در کوتاه مدت برای کشور نفعی ندارد و به کاهش درآمدهای دولتی منجر خواهد شد، ولی در درازمدت می‌تواند متضمن منافی برای کشور باشد که بررسی این امر به مطالعات بیشتری نیاز دارد. این گزارش همچنین یادآور شد که موادی از قانون اساسی و دیگر قوانین کشور با مفاد گات مغایرت دارد و لذا در صورت الحاق باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

دومین باری که موضوع الحاق ایران به گات مطرح شد، در جلسه شورای عالی اقتصاد در تیر ماه ۱۳۷۲ (ژوئیه ۱۹۹۳) بود؛ اما از آنجا که قرار بود مذاکرات دور اروگوئه تا شش ماه پس از آن تاریخ به اتمام برسد، تصمیم گرفته شد تا آن زمان کاری صورت نگیرد، تا مذاکرات دور اروگوئه پایان پذیرد و از نتایج آن اطلاع حاصل شود. پس از اتمام مذاکرات دور اروگوئه،

کمیته‌ای مرکب از نمایندگان ۲۱ وزارت خانه و سازمان دولتی تشکیل شد، تا منافع و مضار عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی را بررسی و سیاست‌های مناسب برای کاهش تبعات منفی احتمالی را پیشنهاد و همچنین موانع سیاسی و حقوقی الحاق را بررسی کند. این کمیته همچنین مأمور شد تا «گزارش جامع تجاری» ایران را تهدید نماید؛ لذا گزارش خود را در خرداد ۱۳۷۴ (ژوئن ۱۹۹۵) به دولت تقدیم کرد. در این گزارش، کمیته مذکور با مفید ارزیابی کردن الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، اظهار عقیده کرده بود که، احتراز از عضویت در این سازمان به صلاح کشور نیست؛ چرا که با عضویت ۱۲۸ کشور که حدود ۸۰ درصد از تجارت جهانی را در اختیار دارند، تجارت ما تحت تأثیر تصمیمات این سازمان خواهد بود، حتی اگر عضو هم نباشیم. بر همین اساس در تاریخ ۴ مهر ۱۳۷۵ (سپتامبر ۱۹۹۶) تقاضای عضویت ایران رسماً به دبیرخانه W.T.O تسلیم شد.

تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی با وتوی آمریکا، ۲۱ بار رد شد تا این که در نهایت تلاش‌های ایران در تاریخ ۲۶ ماه مه ۲۰۰۵ (پنج شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۴) به بار نشست و تمام ۱۴۸ عضو سازمان تجارت جهانی - از جمله آمریکا - موافقت کردند که مذاکرات در مورد پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی آغاز شود. به عبارت دیگر، اعضای W.T.O موافقت کردند که ایران «عضو ناظر»^۱ این سازمان شود.

۳. آثار الحاق به W.T.O بر مقررات صادرات و واردات:

چنان که گذشت، عضویت در سازمان تجارت جهانی به معنای قبول کلیه موافقت نامه‌های چندجانبه آن سازمان و در نتیجه، قبول تعهداتی است که در این موافقت نامه‌ها بیان شده است. بر این اساس، کشور متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی باید مقررات داخلی مرتبط با تجارت خارجی خود را با الزامات این سازمان هماهنگ نماید؛ به عبارت دیگر، کشورهای مختلف هر کدام در تجارت بین‌الملل مبانی و نظام حقوقی و تجاری خاصی دارند، که در برخی موارد مغایر و ناسازگار با اصول و الزامات سازمان تجارت جهانی است و این امر ممکن است بهره‌مندی هر چه بیشتر آنها را از شرایط تجارت آزاد، خدشه‌دار

بازتاب اندیشه ۷۵

۶۴
الحاق ایران
به سازمان
تجارت جهانی
و پیامدهای
آن بر مقررات
صادرات و
واردات

۱. پذیرش ایران به عنوان «عضو ناظر» در سازمان تجارت جهانی، به معنای عضویت دائم ایران در سازمان و آغاز فعالیت‌های تجاری بر اساس مقررات و قوانین W.T.O نیست، بلکه به معنای پذیرش آغاز فرآیند الحاق به این سازمان است، که به نظر می‌رسد در مورد ایران در خوش‌بینانه‌ترین حالات ممکن است ۵ تا ۱۰ سال طول بکشد.

سازد؛ لذا تلاش در جهت رفع آنها برای هر کشوری اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین بستر سازی حقوقی برای الحاق به سازمان تجارت جهانی الزامی است. در قوانین و مقررات داخلی کشورها، عمده‌ترین مقررات مرتبط با موضوع الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی عبارت‌اند از: مقررات صادرات و واردات، مقررات مربوط به تشویق صادرات، مقررات مربوط به تشویق تولید کنندگان داخلی، مقررات مربوط به بخش خدمات، مقررات راجع به حمایت از حقوق مالکیت معنوی و مقررات راجع به حل و فصل دعاوی تجاری خارجی.

آزادسازی تجاری یکی از اصول بنیادین سازمان تجارت جهانی است. هر عضوی مکلف است موانع موجود بر سر راه تجارت کالا و خدمات را برطرف سازد و صادرات و واردات آزادانه کالا و خدمات را تضمین کند. موانع تجاری عمدتاً به وسیله‌ای اخذ تعرفه و هزینه‌های گمرکی و یا از طریق «موانع غیر تعرفه‌ای» برقرار می‌شود. برقراری تعرفه و دیگر هزینه‌های گمرکی، مثل «حقوق گمرکی»، سود بازرگانی، مالیات و غیره، یکی از طرق شایع برای کنترل واردات به کشور است. هر چند سازمان تجارت جهانی برقراری تعرفه‌ها را منع نکرده است، ولی طبق مقررات آن سازمان، اعضا، مکلف به مذاکره با دیگر کشورها برای کاهش تعرفه‌های خود هستند.

علاوه بر تعرفه‌ها، موانع غیر تعرفه‌ای نیز مانعی بر سر راه تجارت آزاد است. همان‌گونه که اشاره شد، برقراری محدودیت‌ها، ایجاد مزاحمت‌ها و دخالت در امر واردات و صادرات از طریق برقراری نظام سهمیه‌بندی محدودیت‌های کمی و مجوز صادرات و واردات از موانع تجاری غیر تعرفه‌ای هستند، که بر اساس ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ ممنوع است. براین اساس، قانون صادرات و واردات باید با حذف موانع غیر تعرفه‌ای، خود را با الزامات سازمان تجارت جهانی تطبیق دهد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که، قانون مقررات صادرات و واردات در سه مقوله با مقررات ماهوی موافقت‌نامه‌های تجاری چند جانبه ارتباط می‌یابد که عبارت‌اند از: حمایت از تولیدات داخلی، اعمال محدودیت‌های وارداتی و تشویق صادراتی.

الف) حمایت از تولیدات داخلی؛ ضمن این‌که مقررات سازمان تجارت جهانی از سیاست‌های تجارت آزاد تبعیت می‌کند، در عین حال به اعضا اجازه می‌دهد که از تولیدات داخلی خود در مقابل رقابت خارجی با برقراری تعرفه حمایت کنند، مشروط بر این‌که این اقدامات تنها از طریق تعرفه‌ها باشد. به موازات آن، تعرفه‌هایی که کشورها برای حمایت از تولیدات داخلی خود حفظ می‌کنند باید کاهش یابد و در نهایت حذف شود.

بنابراین کلیه مقرراتی که رفتار تبعیض آمیز نیست به کالاهای وارداتی دارد و در قوانین کشور، به ویژه قانون مقررات صادرات و واردات وجود دارد، باید اصلاح شود؛ علاوه بر این، تا پایان سال ۱۳۸۱ عوارض و مالیات‌های متفرقه گوناگونی به همراه حقوق گمرکی از واردات دریافت می‌گردید که برای الحاق به سازمان تجارت جهانی، یک کاسه کردن این مالیات‌ها نخستین گام برای مذاکره راجع به تعرفه و تثبیت آن به شمار می‌رفت؛ زیرا بر اساس الزامات سازمان تجارت جهانی، دریافت هرگونه وجهی (غیر از هزینه‌ها) خارج از چارچوب تعرفه، برای ورود کالاهای سایر کشورهای عضو غیر مجاز است.

ب) محدودیت‌های وارداتی؛ طبق ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴، اعضا نباید هیچ محدودیتی را از طریق سهمیه‌بندی، مجوزهای صادراتی و وارداتی یا از طرق دیگر در مورد ورود هر محصولی از سرزمین عضو دیگر و یا صدور هر محصولی که مقصد آن، سرزمین عضو دیگر باشد، وضع یا حفظ کنند. علاوه بر قانون مقررات صادرات و واردات، در آیین نامه اجرایی این قانون نیز مواردی وجود دارد که محدودیت مقداری در واردات کالا تلقی می‌شود که این موارد هم مغایر ماده ۱۱ گات است.

ج) تشویق صادرات؛ درباره تشویق صادرات و توسعه صادرات غیر نفتی، حقوق داخلی ما امتیازات و تسهیلاتی را برای صادرکنندگان فراهم کرده است، که مغایر با الزامات سازمان تجارت جهانی به نظر می‌رسد. بر اساس ماده ۱ «موافقت نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی»، هرگونه کمک مالی دولت یا مؤسسات دولتی در مواردی که این عمل متضمن انتقال سیستم وجوه، مانند برقراری کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه، انتقالات مستقیم وجوه یا تعهدات، مثلاً وام باشد، یا درآمد دولت که در شرایط دیگر وصول می‌شد، دریافت نگردد یا از آن چشم‌پوشی شود، هم چون مشوق‌های مالی، در تعریف یارانه می‌گنجد.

از موارد دیگر در مورد یارانه‌های صادراتی ممنوع، استرداد هزینه‌های وارداتی کالاهای مورد مصرف در ساخت کالاهای صادراتی است. به موجب ماده ۱۴ قانون مقررات صادرات و واردات، ما به‌التفاوت اخذ شده توسط سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و کلیه وجوه دریافتی گمرک، به استثنای آن چه جنبه هزینه و کارمزد دارد، در رابطه با کالاها، مواد، اجزا و قطعات خارجی مورد مصرف در ساخت، تکمیل، آماده‌سازی، و بسته‌بندی کالاهای صادراتی، به صادرکننده مسترد می‌گردد. چنین پرداخت‌هایی مشمول یارانه‌های صادراتی ممنوع است. بر اساس موارد فوق اکثر مقرراتی که در کشور ما برای تشویق صادرات تصویب شده‌اند، مغایر با مقررات سازمان تجارت جهانی‌اند.

بازتاب اندیشه ۷۵

۶۶

الحاق ایران
به سازمان
تجارت جهانی
و پیامدهای
آن بر مقررات
صادرات و
واردات

کشور مامنتظر شروع مذاکرات باسازمات تجارت جهانی نمآند و از زمانی که زمزمه‌های عضویت در این سازمان مطرح شد، اقداماتی نیز انجام گرفت که برخی از مهم‌ترین اقدامات برای تطبیق قوانین و مقررات کشور با الزامات سازمان تجارت جهانی و آزادسازی تجاری از این قرار است:

- تدوین رژیم جامع تجاری کشور به منظور ارائه به گروه کاری مذاکره کننده (ارائه یادداشت نظام تجارت خارجی کشور به کار گروه الحاقی که حاوی جنبه‌های نظام تجاری و قانونی کشور است، پایه و اساس تصمیم‌گیری‌های گروه کاری است. هر چه این گزارش از شفافیت بیشتری برخوردار باشد، به تسریع در روند الحاق کمک خواهد کرد. این گزارش تا کنون چندبار به روز شده است)؛

- پیش‌بینی تعرفه‌ای کردن تمام موانع غیر تعرفه‌ای و کنار گذاشتن موانع غیر فنی بر سر راه تجارت در ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شبیه همین تدابیر در ماده ۳۳ قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه نیز اندیشیده شده است؛

- لغو مجوزهای ورود؛

- اصلاح قانون مالیات بردرآمد شرکت‌ها؛

- تصویب قانون تجمیع عوارض (بر اساس این قانون، حقوق گمرکی، مالیات، حق ثبت سفارش کالا، انواع عوارض و سایر وجوه دریافتی از کالاهای وارداتی تجمیع گردیده و عوارض معادل ۴ درصد ارزش گمرکی تحت عنوان حقوق ورودی دریافت می‌گردد)؛
- تصویب قانون جدید تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۱؛

- رقابتی کردن و خصوصی سازی در سیستم بانکی و بیمه؛

- حذف پیمان سپاری ارزی؛

- لغو انحصارات. خصوصی سازی و فراهم کردن زمینه برای رشد بخش خصوصی؛

- یکسان سازی نرخ ارز؛

- حذف روش‌های دست و پاگیر گمرکی و ساده کردن مراحل صدور و ورود کالا؛

- بازنگری در قوانین، مقررات و ضوابط ناظر بر فعالیت مؤسسات مالی در جهت

هماهنگ کردن این مؤسسات با تحولات داخلی و بین‌المللی؛

- جلوگیری از انحصارات در تجارت خارجی؛

- عضویت در سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) در سال ۱۳۸۰؛

- هدفمندسازی یارانه‌ها و جوایز صادراتی؛

- تصویب و ابلاغ سیاست‌های جدید اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری؛

- نسخ ضمنی برخی از مواد قانون مقررات صادرات و واردات بر اساس قانون اصلاح

موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛

- اصلاح برخی از مواد آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات در جهت

تسهیل و آزادسازی تجاری و انطباق آن با الزامات W.T.O (ر.ک: اداره کل صادرات و

واردات وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴، ص ۸ تا پنجاه و چهار)؛

- پیش‌بینی اصلاح و بازنگری در قانون مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی،

قانون مناطق آزاد تجاری و صنعتی در ماده ۳۳ قانون برنامه توسعه چهارم اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی کشور با هدف هم‌پیوندی فعال با اقتصاد جهانی و رونق بخشیدن به تجارت

خارجی؛

- پیش‌بینی تهیه و تدوین مقررات ضد دامپینگ در همان قانون.

آنچه بیان شد برخی از اقدامات مهم دولت جمهوری اسلامی ایران، برای زمینه سازی

عضویت در سازمان تجارت جهانی است، که به نظر می‌رسد، این روند تا انطباق کامل قوانین

و مقررات کشور، با مقررات سازمان تجارت جهانی ادامه خواهد داشت.

فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی برای ما بسیار حساس و حیاتی است، می‌تواند

فرصت خوبی باشد تا ایران با انتخاب کارشناسان خبره و آگاه به قواعد و مقررات سازمان

تجارت جهانی، از قدرت چانه‌زنی بالا در این مذاکرات بهره‌گیرد تا ضمن کم کردن

چالش‌های احتمالی فراروی کشور، استفاده بهینه و مؤثر از مذاکرات در جهت حفظ منافع

ملی صورت گیرد. شکی نیست که الحاق ایران به W.T.O آثار و پیامدهایی در حوزه‌های

اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حقوق خواهد داشت، اما هنر ما این است که بتوانیم این فرآیند را

به بهترین نحو مدیریت نماییم.

بازتاب اندیشه ۷۵

۶۸

الحاق ایران
به سازمان
تجارت جهانی
و پیامدهای
آن بر مقررات
صادرات و
واردات

● اشاره

همان‌طور که نویسنده محترم بدان اشاره کرده، هر چند که در صحنه روابط بین‌الملل وقتی

که اراده جمعی بر پذیرش امری قرار گرفت، دیگران هم مجبور به تبعیت از آن حرکت

جمعی هستند و این مسأله در موضوع سازمان تجارت جهانی هم صادق است. این مسأله

که ایران عضو ناظر سازمان شده جهت تقویت دیپلماسی کشور و جلوگیری از انزوای ایران در مسائل جهانی امری مناسب است، ولی باید به مطالب ذیل توجه بیشتری داشت:

۱. برای جلوگیری از انزوا در تجارت جهانی و داشتن نقش فعال در این زمینه، راه‌های دیگری هم وجود دارد که نویسنده بدان‌ها اشاره ننموده است؛ مانند گسترش روابط تجاری و تشکیل معاهدات درازمدت و ایجاد اتحادیه‌های تجاری میان کشورهای اسلامی و همسو با ایران تا از فرآیند مخرب تجارت جهانی آسیب کمتری ببینیم؛ زیرا بیشترین نفع را از یکسان سازی تعرفه‌ها و حمایت‌ها در زمینه اقتصاد کشورهای واجد اقتصاد قوی خواهند برد و این سازمان هم جهت تسریع روند تجارت جهانی است نه تقویت تجارت کشورهای در حال توسعه.

۲. در عصر امروز یعنی دوران تکنولوژی و صنعت، قدرت‌های صنعتی دنیا به مرحله‌ای رسیده‌اند که برای ادامه روند رشد اقتصادی خود باید تجارت جهانی را در دست بگیرند. و اکنون نیاز شدیدی به بازارهای مناسبی برای عرضه تولیدات در عرصه‌های مختلف جهانی دارند، بازارهایی که برای ورود به آنها با موانعی همچون تعرفه‌ها و محدودیت‌های گمرکی مواجه نباشند، اما درباره کشورهای همپون ایران که در حال توسعه هستند، هر چند در برخی از موارد تکنولوژی پیشرفت‌هایی تحصیل نموده‌اند. ولی نویسنده محترم به این پرسش مهم نپرداخته‌اند که، آیا ایران در زمینه کلانی همچون ورود به سازمان تجارت جهانی، توانایی رقابت تجاری را با قدرت‌های اقتصادی دنیا را دارد؟

۲. در این مقاله مراحل تشکیل سازمان تجارت جهانی آورده شده، ولی از حیث محتوا به قوانین و قواعدی که بنیان‌های این نهاد را تشکیل می‌دهند اشاره‌ای نشده است؛ درحالی‌که باید گفت کشورهایایی که چنین طرح‌هایی را در سطح جامعه جهانی مطرح می‌سازند، برای چنین سازمان‌ها و نهادهایی قواعد و قوانینی تنظیم می‌کنند که متناسب با ساختارهای سیاسی اقتصادی، حقوقی و فرهنگی‌شان و در راستای منافعشان باشد.

به نظر می‌رسد در رقابت تجارت جهانی، کشورهای ضعیف یا در حال توسعه مانند ما، شرایط و توانایی‌های لازم برای رقابت با کشورهای قدرتمند نداریم و حتی در این زمینه محدودیت‌هایی از جهت ایدئولوژی، مذهب یا قانونی داریم که در برخی کشورهای عضو تجارت جهانی وجود ندارد، مثلاً مادر نحوه تبلیغات کالا و خدمات و تبلیغ فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل پرستی و اسراف و تبذیر محدودیت‌های شرعی و اخلاقی داریم. همچنین برخی کالاها و نوشیدنی‌ها را غیرمجاز می‌دانیم.

۳. در این مقاله به موارد تعارض قانون مقررات صادرات و واردات جمهوری اسلامی ایران با مقررات سازمان تجارت جهانی پرداخته شده، در صورتی که این قانون یکی از قوانین عادی کشور است و ما در مواردی از تعارض برمی‌خوریم که، شاید حتی نتوان به هیچ وجه صورتی برای رفع تعارض میان آنها، با مقررات سازمان تجارت جهانی یافت.

مثل اصل نفی سبیل^۱ یا اصولی از قانون اساسی مانند بند هشتم از اصل چهل و سوم قانون اساسی که در آن آمده است، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران باید بر ضابطه جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور استوار گردد. علاوه بر این که تجارت جهانی موجب انتقال فرهنگ غربی به میان جوانان ما می‌شود و ما در حال حاضر آمادگی مقابله با این نحو تهاجم را نداریم.

۴. در پایان باید خاطر نشان کرد، به فرض که موارد تعارض قانونی با مقررات سازمان جهانی هم برطرف شود، ولی نباید فراموش کرد به خاطر موضع جمهوری اسلامی ایران در مسائل بین‌المللی و به خطر افتادن منافع کشورهای غربی با دشمنی‌ها و مداخله‌های مستقیم و غیرمستقیم جهت تضعیف و اخلال در نظام روبه‌رو هستیم و به همین خاطر در پذیرش سرمایه‌گذاری‌ها با موانع مختلفی از جمله مسائل امنیتی روبه‌رو هستیم و نمی‌توان به راحتی به هر کسی اجازه فعالیت داد، درحالی که کشورهای دیگر امکانات نظارتی نامحسوس سطح بالایی دارند و می‌توانند آزادانه عمل کنند و به جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی پردازند و با کمترین محدودیتی در هر زمینه و هر جایی سرمایه‌گذاری کنند؛ از سوی دیگر با توجه به همین وضعیت سیاسی کشور، تضمینی وجود ندارد که کشورهای قدرتمند به معاهدات خود در شرایط مختلفی مانند تحریم ایران پایبند باشند.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بازتاب اندیشه ۷۵

۷۰

الحاق ایران
به سازمان
تجارت جهانی
و پیامدهای
آن بر مقررات
صادرات و
واردات

۱. لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ سَبِيلًا؛ خداوند متعال نخواسته تا کافران بر مؤمنین سلطه‌ای داشته باشند. سوره مبارکه نساء، ۴، آیه شریفه ۱۴۱